



حاجی به من ظلم کردی...

قرار بود از بین رزمندگان لشکر یکی را به عنوان پاسدار نمونه معرفی کنیم، در ذهنم مرور کردم که چه کسی را بگذارم، به نظرم رسید شهید زندی بهترین است. اسمش را که خواندند احساس کردم با تمام وجود به زمین فرو رفت مثل ابر بهاری اشک می ریخت، زیر بغلهایش را گرفتند و به بالای سکو آوردند، جایزه اش را طوری گرفت که هیچ وقت شرمندگی آن لحظه را در عمرم فراموش نمی کنم. گفت حاجی به من ظلم کردی.

راوی سردار حاج قاسم سلیمانی

روزهای اول جنگ از زبان سردار شهید مهدی زندی نیا

آن روزها سلاحمان محدود میشد به تفنگ ام یک و یا ژ ۳ که داشتن یک قبضه موشک انداز آر پی جی ۷ برایمان آرزویی دست نیافتنی بود. چرا که هنور بنی صدر در رأس کار قرار داشت و از دادن سلاح و مهمات به نیروهای سپاه جلوگیری میکرد. بعد از عملیات ۱۶ دی که حسین علم الهدی به شهادت رسید، من هم به سپاه سوسنگرد پیوستم و در آنجا با یکی از برادران عراقی به نام ابراهیم هاشمی آشنا شدم. وی به اتفاق شهید مهدی زین الدین که بعدها فرمانده لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب گردید در گروه شناسایی که عمدتاً عرب بودند فعالیت میکرد. با شروع عملیات فرمانده کل قوا که در مورخه ۲۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۰ اجرا گردید من هم به عنوان مسئول یگان خمپاره انداز به گردان شهید علم الهدی مأمور شدم و در این عملیات دشمن را مجبور به عقب نشینی از اطراف سوسنگرد به سمت بستان نموده و در مقابل روستای دهلاویه مستقر گردیدیم. در آنجا نیروهای یگان خمپاره انداز به همراه رزمندگان ستاد جنگهای نامنظم دکتر چمران به سمت دهلاویه حرکت کردیم تا آتش مورد نیاز را بر روی مواضع دشمن بریزیم. قبضه ها را در ابتدای شهر مستقر نموده و در حالی که منطقه زیر گلوله باران شدید قرار داشت به اتفاق یکی دیگر از برادران به عنوان دیده بان سوار تنها خودروی گروه شدیم و برای شناسایی به خط مقدم رفتیم. به سختی وارد خط شدیم و مواضع و مکانهای استقرار دشمن را مشخص نمودیم. در حال بازگشت یکی از فرماندهان دکتر چمران جلوی من را گرفت و گفت حدود ده مجروح در نزدیکی دشمن مانده اند که کسی را برای آوردنشان نداریم. گر چه مأموریت مان عقب راندن بعضی ها با استفاده از شلیک گلوله های خمپاره بود اما دوباره به سمت مرکز شهر بازگشتیم، صدای انفجار دمی قطع نمیگردید و کمی جلوتر دو گلوله به ماشین برخورد نمود. خودرو را از جاده پایین برده و به هر مکافاتی بود به مدرسه دهلاویه رفتیم. در آنجا ابراهیم مشغول سامان دادن به وضعیت مجروحین و شهدا بود. با کمک ایشان تعدادی از زخمی ها را سوار ماشین کرده و حرکت نمودم. برگشتن در زیر آن همه گلوله های توپ و خمپاره کاری بسیار سخت تر از رفتن بود. پس از تحویل مجروحان به مقر استقرار خمپارهها بازگشتیم تا نبردی طولانی و سخت را آغاز نماییم. بعدها شنیدم بقیه مجروحین توسط ابراهیم و با استفاده از یک دستگاه موتور یاماها ۱۲۵ به پشت خط منتقل شده اند. پس از این عملیات بود که دکتر چمران در همان جبهه دهلاویه به شهادت رسید

۱۳۶۰/۳/۳۱



تیپ ادوات

عملیات از نزدیک دشمن را مشاهده نموده و سپس مورد هدف قرار می دادند. حضور شهیدان فراوان در گردان ضد زره ادوات لشکر ۴۱ ثارالله خصوصاً سردار شهید علی ژاله فرمانده دلاور این گردان جزو افتخارات کرمانیان برای همیشه تاریخ خواهد ماند.

ب - گردان ادوات سبک

این گردان از تجهیزاتی همچون خمپاره اندازه های ۶۰ میلیمتری و تیربارهای پلامیا و دوشکا تشکیل یافته بود که همه این سلاحها در خطوط مقدم نبرد کاربرد داشتند. سلاحهایی که به همراه مهماتشان در شبهای عملیات بر روی دوش رزمندگان تا رسیدن به خطوط مقدم نبرد و یا پیش روی های پس از شکستن خط دشمن حمل می گردیدند تا در شب عملیات و حملات روزهای بعد از عملیات که توسط دشمن انجام می گرفت مقابل نمایندند. بی تردید این گردان یکی از عوامل مهم در انهدام دشمن و کسب پیروزی های بزرگ محسوب میگردد که رزمندگان آن وظیفه داشتند در روزهای پس از عملیات همچنان به انهدام دشمن پردازند.

ج - گردان پشتیبانی آتش

تجهیزات مورد استفاده در این گردان عبارت بودند از سلاحهایی همچون راکت انداز ۱۰۷ میلیمتری یا همان مینی کاتیوشا و خمپاره اندازه های ۸۱ و ۱۲۰ میلیمتری که در پشت خط اول و به فاصله نزدیک با دشمن استقرار می یافتند. این تجهیزات دقیقی قبل از عملیات مهمترین عامل در انهدام تجهیزات و نیروهای دشمن به حساب می آمدند که با ارسال آتش تهیه بر روی مواضع و استحکامات ارتش بعث اقدام به وارد نمودن تلفات بالایی به آنها می نمودند. گردان پشتیبانی با اجرای شلیکهای دقیق و موثر خود پیروزیهای مهمی را برای کشور اسلامی ایران به ارمغان آورده است.

د - گروهان دیده بانی

دیده بانان در مناطق جنگی به دو نوع ایفای نقش مینمودند. گروهی در کنار فرماندهان گردانهای رزم و در خطوط مقدم نبرد قرار میگرفتند و با دادن مختصات دشمن اقدام به درخواست آتش از گردان پشتیبانی آتش برای رفع موانع پیشروی و یا عقب نشینی مینمودند و گروه دیگر هم در دکلهای مستقر در مناطق پدافندی استقرار یافته و توسط دوربین نسبت به رسد عقبه دشمن و در صورت نیاز درخواست آتش از گردان پشتیبانی آتش برای انهدام و یا جلوگیری از تحرکات دشمن اقدام می نمودند. داشتن تخصص و تحصیلات برای نیروهای این گروهان به سبب استفاده های محاسباتی و تخمین فاصله و محل اصابت گلوله بر روی مواضع دشمن امری لازم بود و میبایست تحصیل کرده باشند. یکی از اقدامات مهم ادوات لشکر ۴۱ ثارالله در جنگ ابداع دکلهای دیده بانی متحرک و همچنین ایجاد مواضع دیده بانی در مناطق باتلاقی و رودخانه ها و جزایر مجنون بود.

ادوات نامیست آشنا که سرسلسله بسیاری از عملیتهای نظامی برای آزادی کشورمان از چنگال دشمن بعثی بوده است. یگانی مقدس و خونین که مردان مردی از تبار خورشید را با خود به همراه داشته، بی شک جنگ تحمیلی عراق علیه ایران موجبات ظهور واحدهای جدید نظامی و تکمیل ساختار دفاعی ایران بر اساس دست آوردهای نوین بومی را فراهم نمود که یکی از این سازمانهای نظامی، یگانی به نام تیپ ادوات لشکر ۴۱ ثارالله بوده. این سازمان رزمی در ابتدا تحت عنوان گردان از عملیات والفجر مقدماتی ایجاد گردید اما به واقع کارایی لازم را نداشت تا اینکه به صورت عملیاتی از اواسط سال ۱۳۶۳ قبل از عملیات بدر بنا به دستور حاج قاسم سلیمانی فرمانده شجاع و دلاور این لشکر در اوج پیروزیهای پی در پی رزمندگان کشورمان تأسیس گردید و سپس در عملیتهای مختلف دفاع مقدس نقش مهمی را در انهدام دشمن بر عهده گرفت. تجهیزات ادوات سلاحهایی بودند که گلوله های آنها به صورت مستقیم و یا منحنی از خط مقدم و یا فاصله نزدیک به سمت دشمن شلیک شده و انهدام تجهیزات زرهی و استحکامات و ماشین آلات و نیروهای دشمن در خطوط مقدم نبرد را بر عهده داشتند.

تیپ ادوات و خصوصاً فرمانده دلاور و شجاع آن حاج مهدی زندی نیا به هنگام دفاع مقدس اختراعات و ابداعات مهمی بر روی تجهیزات جنگی انجام داده که در زمان خود از اهمیت بالایی برخوردار بودند و فرصتهای موثری برای کسب پیروزی بوجود آوردند. گرچه طراحان این تجهیزات مهم هیچگاه موفق و مایل به ثبت اختراعاتشان نشدند و در ورای افق خونین جنگ سر به گمنامی گذاشته و دیدارمان به قیامت گردید اما نتیجه کارهای آنها هنوز هم مورد توجه میباشد این تیپ از سه گردان و یک گروهان تشکیل میگردد که عبارت بودند از گردان ضد زره و ادوات سبک و پشتیبانی آتش و گروهان دیده بانی که در اینجا به معرفی آنها میپردازیم.

الف - گردان ضد زره:

مشکل از تجهیزاتی بود که توانایی انهدام خودروهای زرهی دشمن شامل نفربرها و تانکها و سایر خودروها و استحکامات نظامی را در خطوط مقدم نبرد بر عهده داشتند. این گردان از سه گروهان موشک مالیوتکا و تاو و گروهان ۱۰۶ و گروهان اس پی جی و تفنگ ۸۲ میلیمتری تشکیل یافته بود که همه این گروهانها حضوری مداوم در خطوط مقدم نبرد داشتند و خصوصاً اینکه رزمندگان بی سنگر این گروهانها به هنگام





شهیدان ادوات

حضور در واحد ادوات نیازمند شجاعت و شهادت طلبی بی نظیری بود که گاه لازم میشد تا رزمندگان بدون هر گونه پوششی رو در روی دشمن قرار گرفته و بر روی خاکریز و زمینهای بدون عوارض اقدام به نشانه گیری و تنظیم سلاح بر روی مواضع و تجهیزات دشمن مینمودند. این عمل در میدان جنگ و در شرایطی که نیروهای هر دو طرف یکدیگر را زیر نظر دارند کار بسیار سخت و خطرناکی میباشد، به گونه ای که همواره شهادت در یک قدمی رزمندگان ادوات قرار داشته و در بسیاری مواقع رزم آوران آن پس از شلیک و یا قبل از آن به شهادت رسیده اند. از همین جاست که سرداران بزرگی همچون مهدی زندی نیا، حسین صادقی، فرهاد حسینی، علی ژاله، حسین نادری و صدها رزمنده دلاور دیگر از تیپ ادوات لشکر ۴۱ ثارالله به اسلام و کشور عزیز ایران تقدیم گردیده اند. به واقع میتوان گفت ادوات در جنگ به مانند واحد تخریب معنای شهادت میداد و انسانهایی میتوانستند قدم به درون این یگان قدرتمند و خونین بگذارند که بی باکانه و بدور از هر گونه ترسی خود را در مقابل دشمن قرار داده و تمامیت آن را به زیر سوال ببرند. این یگان دارای ۲۷۳ شهید از شروع غائله کردستان تا انتهای جنگ میباشد که بیشترین آن بزرگواران متعلق به استان کرمان و سپس سیستان و بلوچستان و بعد از آن هرمزگان میباشد. گرچه شهیدانی هم از دیگر استانهای کشور داشته است. بی شک تاریخ و آیندگان به رزم این جان بر کفان و پیروزهای چشمگیرشان در آزادی کشور بزرگ ایران و سرافرازی اسلام خواهند بالید و شکوه افتخارشان تا ابد برای کرمان و کرمانی افتخارآمیز خواهد بود.



موشک مایوتکا



موشک انداز تاو



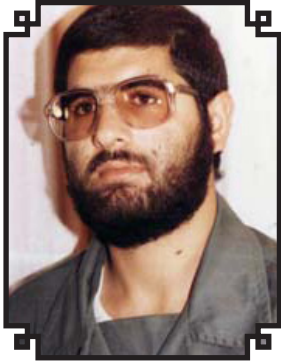
دوشکا



خمپاره انداز ۱۲۰ م م



خاطراتی از شهدا و رزمندگان ادوات لشکر ۴۱ ثارالله



سردار شهید فرهاد حسینی

ایشان و حسین صادقی باجناغ بودند که در سن ۱۷ سالگی ازدواج کرد و صاحب یک فرزند پسر می‌باشد. فرهاد در صبحگاه مرحله اول عملیات بدر در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ به شهادت رسید و حسین در عصر همان روز. هر دو هم در اثر برخورد ترکش گلوله دعوت حق را لیک گفتند. به هنگام شهادت حسین فرمانده گردان ادوات لشکر ۴۱ ثارالله بود و فرهاد رئیس ستاد این گردان. دو دوست جدانشدنی و مخلص که در تشکیل یگان زرهی ذوالفقار و ادوات لشکر ۴۱ ثارالله نقش موثر داشتند و سرانجام با هم به شهادت رسیدند.

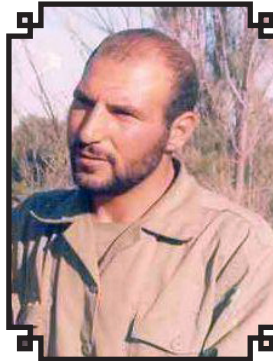
خاطره ای از علی شعبانی رزمنده ادوات سبک

پس از پایان مرحله اول عملیات والفجر هشت در حال بازگشت به پشت جبهه بودیم که ناگهان نمودار یک جیب عراقی از کجا پیدا شد و مستقیم به طرف ما آمد. در آن لحظه نه اسلحه داشتیم و نه مهمات و فقط یک قبضه خمپاره شصت همراهمان بود که آن هم در دستان سید عزیز الله داوری که همه به او دایمی میگفتیم قرار داشت. جیب یعنی با فاصله در مقابلمان ایستاد و کاملاً مشخص بود که در دامشان گرفتار شده ایم. ناگهان سید عزیز الله دست به کار عجیبی زد و همان قبضه خالی خمپاره را بر روی دوشش گذاشت و به سمت نیروهای یعنی نشانه گرفت. عراقی‌ها هم به خیال اینکه قبضه آر پی جی است و الان به سمتشان شلیک خواهد کرد دنده عقب گرفتند و با دست پاچگی فرار نمودند و ما از اسارت نجات یافتیم.

خاطره ای از رزمنده ادوات محمد جواد انصاری نژاد

عصر روز سوم عملیات کربلای پنج بود که خاکریز یعنی ما را تصرف کردیم. سه نفر بودیم که وظیفه شلیک خمپاره شصت را بر عهده داشتیم. همه جازیر آتش شدید دشمن قرار داشت و صدای انفجار دمی قطع نمی شد. نیاز شدیدی به خواب داشتیم برای همین یکی از سنگرهای نیمه خراب عراقی را درست کردیم و به آن پناه بردیم، به غلامرضا محمود آبادی گفتم اگر خواب رفته بیدارم کند. حدود ساعت ۶ صبح بود که بیدار شدم دیدم هیچکس نیست. سنگری را هم که درست کرده بودیم خراب شده بود و همه جای آن بر اثر گلوله سوراخ سوراخ بود. پیش خودم گفتم مگر چقدر خوابم سنگین بود که متوجه این همه گلوله نشدم. در همین هنگام عزیز الله داوری با حالت کاملاً جنگی و مسلح از درب سنگر وارد شد و گفت کجا بودی که از دیشب دنبالت میگردم. گفتم همین جا خواب رفته، گفت خوب پس دیشب رادر بین عراقی‌ها گذرانده ای چون نیم ساعت پس از تصرف این خط دوباره دشمن حمله کرد و ما عقب نشینی کردیم تا اینکه دوباره از ابتدای صبح حمله نمودیم و اینجا را به تصرف در آوردیم. نمی دانم که چه جهنمی بر پا بود، اگر بیدار میشدی هم از طرف نیروهای دشمن در خطر بودی هم از طرف نیروهای خودی. در آن لحظه خدا را شکر کردم که دشمن آمد و رفت و من هم چنان در خواب بودم.

سردار شهید علی ژاله



برای انجام فریضه حج با گروهی از رزمندگان مشرف شدند. در بازگشت همه برای خود و یا خانواده چیزی خریده بودند. اما حاجی علی یک دستگاه موتور برای قایق ادوات در جزیره معجون خرید و با خود آورد.

وی به سال ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای رابر پا به عرصه وجود گذاشت. با شروع جنگ تحمیلی عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل گردید و در سال ۱۳۶۵ فرماندهی گردان ضدزره لشکر پیروز ثارالله را برعهده گرفت تا اینکه سرانجام در عملیات کربلای پنج به فیض شهادت نائل آمد.

رزمنده ای که کارهای بزرگ او هنوز هم نقل ادبیات پایداری و خاطرات خوش رزمندگان در لحظات سخت نبرد است.

سردار شهید حسین صادقی



خبر شهادت حسین را که به حاج قاسم دادند بلند بلند گریست. هیچ کس نمیتوانست حاجی را تسلی دهد. گرچه من برادر حسین بودم اما جنس گریه های حاجی چیز دیگری بود. همه بچه ها بسیج شدند تا فرمانده آرام گرفت. حاج قاسم دلسوزترین فرد به رزمنده ها بود. یادم است که میهمانان ویژه عروسی حسین عبارت بودند از سردار حاج قاسم سلیمانی و سرداران شهید اکبر شجره، محمد یزدانی، علی یزدانی، علیرضا مظهری صفات و حسین یوسف الهی. بعد از عقد همگی دعای توسل خواندند و روز بعد عروس و داماد برای ماه غسل دو روزه به قم رفتند. مهریه

عروس ۱۴ سکه بهار آزادی بود که از طرف عروس بخشیده شد و یک دور کامل کتابهای شهید دستغیب که به هنرستان هدیه نمودند. حسین در طول یک سال سه بار از جبهه به مرخصی آمد که بار اول یک روز و بار دوم دو روز و بار آخر شاید سه روز ماند. هر بار هم که می آمد میگفت خوشحال نشوید که آمدم چون دوباره فردا برمیگردم.

